

در چند و چون تحولات خاورمیانه



• بهروز دیلم صالحی
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی چالوس و نوشهر

۴۲

کتاب ماه
علوم اجتماعی
شماره‌های ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸
مرداد، شهریور، مهر
۱۳۸۵

خاورمیانه قدیم دگرگون گشته است.

برخی تحلیلگران با داشتن رویکرد اقتصادی به محیط بین‌الملل، از رقابت سه بلوک اقتصادی بزرگ (بلوک آمریکایی به رهبری ایالات متحده، بلوک اروپایی به رهبری آلمان و بلوک آسیایی به رهبری ژاپن) سخن می‌گویند و بر این باورند که در جهان معاصر، هسته مرکزی روابط بین‌الملل را «ژئواکونومیک» یعنی جغرافیای اقتصادی تشکیل می‌دهد نه ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی.

نویسندگان کتاب با طرح نظریه‌های گوناگون از جمله نظریه‌های سنتی ژئوپولیتیک یعنی نظریه ریملند، هارتلند مکنندر و نظریه‌هایی چون «پایان تاریخ» و «برخورد تمدن‌ها» به این نکته رهنمون می‌شوند که بدون تردید، در مرحله گذار از قرن ۲۰ به قرن ۲۱، چند سناریو قابل طرح است: ۱- تشکیل نظام جدید بین‌الملل به مثابه یک مدل جغرافیایی - اقتصادی مرکب از سه بلوک؛ ۲- یک مدل موازنه قدرت چند قطبی جدید متشکل از ایالات متحده، اتحادیه اروپا، روسیه، چین و ژاپن؛ ۳- رویارویی تمدن‌ها با تمرکز به ضدیت اسلام و غرب؛ ۴- یک استیلای آمریکایی تک قطبی؛ ۵- یک رویارویی دو قطبی میان ایالات متحده و ژاپن یا چین و یا هر دو و یا روسیه‌ای که بار دیگر رونق گذشته خود را باز یافته است.

در ادامه، نویسندگان از مفهوم «جغرافیای استراتژیک» تعریفی ارائه می‌کنند. این مفهوم اشاره دارد به کنترل و یا دسترسی به مناطقی چون سرزمین، آب و فضا که بر امنیت و پیشرفت اقتصادی ملتها تأثیر مثبت و یا منفی به جای می‌گذارد. همچنین این مفهوم شامل تمام ابعاد جغرافیایی می‌شود که دربردارنده جغرافیای فیزیکی و انسانی است. جغرافیای انسانی یک منطقه که با سرعت زیادی تغییر می‌کند، به جغرافیای سیاسی، اقتصادی و نظامی قابل تقسیم است.

نویسندگان کتاب با تأکید بر اینکه پیرامون مرزهای جغرافیایی و سیاسی خاورمیانه تعریف واحدی وجود ندارد، خود خاورمیانه را شامل آن

■ جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، پیشینه مفاهیم و سائل

■ جفری کمپ و رابرت هار کاوی

■ سیدمهدی حسینی متین

■ پژوهشکده مطالعات راهبردی

■ ۱۳۸۳، ۲۶۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان

■ جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، منازعات و یافته‌ها

■ جفری کمپ و رابرت هار کاوی

■ سیدمهدی حسینی متین

■ پژوهشکده مطالعات راهبردی

■ ۱۳۸۴، ۴۶۴ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۳۵۰۰ تومان

این کتاب با کمک اعطایی «مؤسسه صلح ایالات متحده آمریکا» و از سوی بنیاد کارنگی نیویورک در سال ۱۹۹۷ منتشر شده است. عنوان کتاب به زبان انگلیسی به Stvategic Geography and chang ing Middle East «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه» ترجمه شده است. در عنوان اصلی، سخن از خاورمیانه در حال تغییر و دگرگونی است. پیام اساسی کتاب این است که متغیر جغرافیا در روابط و سیاست بین‌المللی نقش تعیین کننده‌ای دارد. این کتاب، دوجلدی است؛ در سازماندهی جلد اول که تحت عنوان «پیشینه، مفاهیم و مسائل» نامگذاری شده است، دو بخش پیش روی خواننده قرار دارد. در بخش اول، از جغرافیا و تاریخ خاورمیانه سخن گفته شده است. این بخش خود مشتمل بر دو فصل است. فصل اول به مفاهیم، تعاریف و پارامترها اختصاص دارد؛

شایان ذکر است که با پایان جنگ سرد، شکل نوینی از روابط و مناسبات میان قدرتهای جهانی ظهور یافته و عوامل ژئواستراتژیک

خاورمیانه که تقاطع استراتژیک اروپا، آسیا و آفریقا به شمار می‌رود، انباشته شده از ذخایر سرشار اقتصادی به ویژه نفت و گاز است و در طول تاریخ به دلیل کارکرد سه عامل فناوری، منابع و ایدئولوژی سیاسی همواره بر اهمیت این منطقه افزوده شده و یا از آن کاسته شده است

فروپاشی شوروی سابق موجب تضعیف دو عنصر اصلی موازنه قدرت یعنی مرزهای باثبات و رژیمهای پایدار در دوره جنگ سرد شده است

دسته از کشورهایی می‌دانند که به طور مستقیم درگیر مناقشات چهارگانه مهم منطقه‌ای اند یعنی مناقشه اعراب و اسرائیل، مناقشه خلیج فارس، حوزه دریای خزر و جنوب آسیا، پس در چارچوب این تعریف، کشورهای موجود در فهرست سنتی وزارت خارجه آمریکا قرار می‌گیرند: مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، مصر، اسرائیل، سوریه، لبنان، اردن، ایران، عراق، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و یمن. همچنین خاورمیانه بزرگ شامل (شمال آفریقا - ترکیه - سودان و شاخ آفریقا)، ماوراء قفقاز، آسیای مرکزی، غربی و جنوب آسیاست.

در فصل دوم از بخش اول، مخاطبان با راههای استراتژیک و منابع خاورمیانه آشنا می‌شوند: خاورمیانه که تقاطع استراتژیک اروپا، آسیا و آفریقا به شمار می‌رود، انباشته شده از ذخایر سرشار اقتصادی به ویژه نفت و گاز است و در طول تاریخ به دلیل کارکرد سه عامل فناوری، منابع و ایدئولوژی سیاسی همواره بر اهمیت این منطقه افزوده شده و یا از آن کاسته شده است. در پانزده سال آینده، جریان نفت و گاز طبیعی از خلیج فارس و دریای خزر، عناصر کلیدی یک معادله جدید ژئوپولیتیک خواهد بود که عواقب مهمی برای غرب، اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، آسیا و نیز کشورهای خاورمیانه بزرگ به دنبال خواهد داشت. در این فصل، با بررسی تأثیر جنگ جهانی اول بر عرضه نفت و موقعیت نفت خاورمیانه در جنگ جهانی دوم برای قدرتهای جهانی، از دوران جنگ سرد به مثابه دورانی که بحران انرژی پس از جنگ، وابستگی اروپا به نفت خاورمیانه را افزایش داده بود، یاد شده است. البته افزایش اهمیت نفت خاورمیانه با رشد ناسیونالیسم ایرانی و عربی و ایجاد دولت اسرائیل و تشدید مناقشه اعراب و اسرائیل همزمانی یافت. نویسندگان کتاب در ادامه تصریح می‌کنند که اولین شوک و بحران نفتی با جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل شکل می‌گیرد و از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به مثابه دومین شوک نفتی یاد می‌کنند.

بخش دوم کتاب در جلد اول تحت عنوان «عوامل تعارض و امنیت انرژی» نامگذاری شده است و مشتمل بر دو فصل است: در فصل سوم، عوامل اصلی که موجبات استمرار مناقشات و تنشهای منطقه‌ای را فراهم می‌کنند، از جمله اختلافات درازمدت سرزمینی، پوششهای جمعیت و کمبود آب مصرفی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. آنچه خاورمیانه معاصر را از خاورمیانه گذشته متمایز می‌سازد، این است که در حال حاضر تنها یک قدرت عمده یعنی ایالات متحده وجود دارد که توانایی کنترل و تأثیرگذاری بر منطقه را دارد. اما در عین حال، استمرار حضور آمریکا نیز به تعامل بازیگران منطقه‌ای وابسته است.

در این فصل، همچنین تأثیر فروپاشی شوروی سابق بر معادلات بین‌المللی و منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرد. فروپاشی موجب تضعیف دو عنصر اصلی موازنه قدرت یعنی مرزهای باثبات و رژیمهای پایدار در دوره جنگ سرد شده است. با توجه به سرعت فروپاشی، تأثیرات جدی

آن بر خاورمیانه قدیم را نباید از نظر دور داشت و در واقع سیاست خارجی و امنیتی ترکیه، مصر، اسرائیل، سوریه، عراق، ایران، کشورهای عرب خلیج فارس، عربستان سعودی، هند و پاکستان همگی از این رویداد متأثر شده‌اند.

در ادامه بحث، نویسندگان کتاب به چهار دسته از عوامل به هم پیوسته‌ای که به ازدیاد مناقشات دائمی در خاورمیانه کمک می‌کنند، می‌پردازند: روندهای جمعیتی، جنگهای قومی، مذهبی و داخلی، اختلافات سرزمینی لاینحل و کمبود آب آشامیدنی.

۱- روندهای جمعیتی: جمعیت‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند که جمعیت خاورمیانه از ۲۷۴ میلیون نفر در اواسط سال ۱۹۹۵ به تقریباً ۵۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ خواهد رسید. پیش‌بینی می‌شود در منطقه وسیع‌تر خاورمیانه، جمعیت دولتهای آسیای مرکزی و قفقاز از ۷۰/۷ میلیون نفر در میانه سال ۱۹۹۵ به ۱۱۱ میلیون نفر در سال ۲۰۲۵ برسد. نویسندگان کتاب بر این باورند که با توجه به ناکامیهای مستمر دولتهای منطقه در تأمین نیازهای روزانه صدها میلیون نفر، چشم‌انداز افزایش جمعیت در سی سال آینده هراس‌آور است.

۲- قومیت، مذهب و جنگ داخلی: کشورهای منطقه استعداد جنگهای قومی، مذهبی و داخلی را دارند به ویژه کشورهای افغانستان، الجزایر، بحرین، عراق، اسرائیل، لبنان، سودان، ترکیه، مصر و هند.

۳- اختلافات سرزمینی حل‌ناشدنی: مهم‌ترین نمونه‌ها عبارت‌اند از مناقشه اعراب و اسرائیل به ویژه اختلافات سرزمینی اسرائیل و فلسطینیان، اسرائیل و سوریه، اسرائیل و لبنان که همگی از ملاحظات اقتصادی و استراتژیک برخوردارند. هر کدام به تفصیل در کتاب مورد توجه قرار گرفته است. نمونه‌های دیگر، شامل اختلافات سرزمینی در خلیج فارس، قفقاز و آسیای مرکزی و جنوب آسیاست.

۴- مناقشه بر سر آب: سابقه کشمکش برای دسترسی به آب شیرین

تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد و اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر نیز به این ارقام اضافه شود، درصد نسبی این ذخایر شاید به ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۴۰ درصد برای گاز طبیعی برسد

در دو منطقه به لحاظ سیاسی کاملاً بی‌ثبات - خلیج فارس و دریای خزر واقع شده‌اند و از این دو، خلیج فارس همچنان مهم‌ترین است. تقریباً دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخایر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد و اگر ذخایر برآورد شده دریای خزر نیز به این ارقام اضافه شود، درصد نسبی این ذخایر شاید به ۷۰ درصد برای نفت و بیش از ۴۰ درصد برای گاز طبیعی برسد. به این دلیل، بیضی انرژی خلیج فارس - دریای خزر، یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های ژئواستراتژیک دوران ماست. البته در خصوص انرژی دریای خزر این چالش اساسی وجود دارد که وضعیت حقوقی این دریا تاکنون تعریف نشده است و کشورهای ساحلی با موانع بزرگ اقتصادی و سیاسی که توانایی آنها را برای صادرات انرژی محدود می‌سازد، مواجه‌اند.

جلد دوم کتاب، تحت عنوان «منازعات و یافته‌ها» است. در سازماندهی این جلد، دو بخش دیده می‌شود. بخش سوم به «عملیات و برنامه‌ریزی نظامی» می‌پردازد. این بخش از چهار فصل تشکیل شده است. در ادامه فصول جلد اول کتاب، در فصل پنجم، تأثیر عوامل گوناگون جغرافیایی بر جنگ با تأکید بر جنگ ایران و عراق و خلیج فارس در ۱۹۹۱ مورد مطالعه قرار گرفته است. برخی از مهم‌ترین عوامل جغرافیایی در خصوص جنگ‌های زمینی خاورمیانه عبارت‌اند از: ۱- وسعت میدان عملیات و طول خط مقدم نیروها؛ ۲- عمق استراتژیک و فاصله‌های میان خطوط جبهه؛ ۳- قوم‌شناسی مناطق مناقشه و مناطق مرزی؛ ۴- الگوهای اسکان و شبکه‌های جاده‌ای؛ ۵- کوه‌ها و رودخانه‌ها؛ ۶- وجود دو جبهه جنگ برای قدرتی که در مرکز قرار دارد؛ ۷- آب و هوا و فصول. همچنین در این فصل، رابطه جغرافیا و قدرت هوایی تحلیل شده است. پس از جنگ خلیج فارس برخی تحلیلگران قاطعانه اظهار داشتند که چنین جنگی، اولین جنگ در نوع خود است که نقش قدرت هوایی سرنوشت‌ساز بوده است. به علاوه، از جنگ دریایی و ملاحظات جغرافیایی در منطقه نباید غافل بود. نویسندگان در پایان این فصل اشاره می‌کنند که در طی سالهای اخیر قسمت عمده درگیری‌های منطقه خاورمیانه بزرگ از نظر درجه شدت مناقشه از نوع «کم شدت» (Low-intensity Conflict) بوده است.

فصل ششم به «جنگ خلیج فارس و انقلاب در امور نظامی» اختصاص دارد. حامیان انقلاب در فناوری نظامی، تحولات عظیمی را در آینده و حتی ظرف ۱۵ سال آتی، با معیارهایی چون «سرعت انتقال اطلاعات» و تعداد سربازان موردنیاز برای پوشاندن ۱۰ کیلومتر مربع (تراکم میدان جنگ) پیش‌بینی می‌کنند. در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، رایانه‌ها در هر دقیقه - ۱۹۲۰۰۰ کلمه را پردازش می‌کردند و ۲۳/۴ سرباز برای پوشش دادن ۱۰ کیلومتر مربع مورد نیاز بود. به همین نسبت ارقام قابل مقایسه ارائه شده برای جنگی در آینده در سال ۲۰۱۰، پردازش ۱/۵ تریلیون کلمه در دقیقه با رایانه و ۲/۴ سرباز برای پوشش ۱۰ کیلومتر

حامیان انقلاب در فناوری نظامی، تحولات عظیمی را در آینده و حتی ظرف ۱۵ سال آتی، با معیارهایی چون «سرعت انتقال اطلاعات» و تعداد سربازان موردنیاز برای پوشاندن ۱۰ کیلومتر مربع (تراکم میدان جنگ) پیش‌بینی می‌کنند

در سراسر تاریخ خاورمیانه وجود داشته است. پیدایش «بحران آب» در منطقه که عنصری ناشی از جغرافیای طبیعی آن است، با مشکلات مربوط به پویسهای جمعیتی در بسیاری از نواحی توأم شده است به طوری که جغرافیای انسانی متحول، بر اهمیت استراتژیک آب و اثر آن بر مناسبات قدرت در میان کشورهای خاورمیانه افزوده است. براساس گزارش سالانه بانک جهانی سال ۱۹۹۴، خاورمیانه و شمال آفریقا به سمت «بحران آب» در حرکت است. رقابت برای منابع آب چند مشکل را به وجود خواهد آورد: اول - دولت‌های دارای ذخایر آبی غنی در منطقه، اهرم‌های اعمال فشار بیشتری برای زیرفشار گذاشتن همسایگان نیازمند خود خواهند داشت که به سهم خود، به شدت بر توازن قدرت منطقه‌ای اثرگذار بوده و منطقه را به سمت بی‌ثباتی پیش خواهد برد؛ دوم - کشورهای مزبور احتمالاً درگیر جنگی مستقیم بر سر کنترل یا تخصیص آب خواهند شد؛ سوم - کمبود شدید آب می‌تواند از طریق توسعه پروژه‌های مشترک همچون کانالها، خطوط لوله آب و ایجاد کارخانه‌های هسته‌ای تصفیه آب جبران شود اما اتکای فزاینده به فناوری بالا که متضمن سرمایه‌گذاریهای سرمایه‌بر است، آسیب‌پذیری منطقه را در برابر خسارات ناشی از یک جنگ ویرانگر افزایش خواهد داد.

نویسندگان کتاب نتیجه می‌گیرند که به همین دلایل، بیشتر کشورهای منطقه، نیروی نظامی را عامل اصلی قدرت ملی به شمار خواهند آورد و برای یک درگیری مسلحانه احتمالی با دول همسایه خود و بر ضد گروه‌های مخالف درون مرزهایشان آماده‌تر خواهند شد.

فصل چهارم که فصل پایانی جلد اول کتاب است، با عنوان «بیضی استراتژیک انرژی خلیج فارس و دریای خزر» معرفی شده است. طی پانزده سال آینده، تقاضای جهانی برای انرژی به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش خواهد یافت به ویژه نفت، گاز طبیعی و زغال. جهان در این سه منبع انرژی شناور است اما بیشترین منابع پیش‌بینی شده جهت تولید بالاتر

برخی تحلیلگران بر این باورند که بسیاری از فناوریهای انقلاب در امور نظامی نظیر رایانه، تجهیزات مخابراتی، رادارها، گیرنده‌های مادون قرمز در بازارهای غیرنظامی به طور آزاد قابل دسترسی است

مربع خواهد بود.

جنگ خلیج فارس به دلیل تواناییهای جدید هواپیماهای نامرئی استیلت، بمبارانهای بسیار دقیق (بمبهای هدایت شونده لیزری) و تخریب نظاموار سیستمهای دفاعی هوایی که با کمک گیرنده‌های جدید حسی ناشی از انقلاب در فناوری نظامی، سیستمهای واکنش الکترونیکی و سیستمهای حمله دقیق میسر شده بودند، شرح بسطی از تاریخ جنگ را عرضه کرد.

هواپیماهای مجهز به «سیستمهای رادار مراقب در حمله به هدف» و نیز موشکهای ضد تانک «هال فایر» با برد متوسط ۶۰۰۰ متری به بالگردها فرصت داد تا به دور از تیررس اکثر جنگ افزارهای ضد هوایی به تانکهای عراقی حمله‌ور شوند. به علاوه، عامل زمین، برتری تانکهای ام‌پک امریکا را که تمام انتظارات عملیات صحرا را برآورده می‌کرد، بزرگ جلوه داد.

یکی از پرسشهای مهمی که در این فصل پاسخ داده شده، این است که تا چه اندازه و با چه سرعتی فناوری انقلاب در امور نظامی که ایالات متحده در جنگ خلیج فارس به نمایش گذاشت، به کشورهای دیگر اشاعه خواهد یافت؟ برخی تحلیلگران بر این باورند که بسیاری از فناوریهای انقلاب در امور نظامی (رایانه، تجهیزات مخابراتی، رادارها، گیرنده‌های مادون قرمز) در بازارهای غیرنظامی به طور آزاد قابل دسترسی است. گروهی دیگر معتقدند که دستیابی به فناوریهای مهم انقلاب در امور نظامی فقط یک گام اولیه بوده است و اینک باید دید آیا کشورهای دیگر غیر از امریکا، از امکاناتی برای توسعه سیستمهای یکپارچه فناوری‌ها برخوردار خواهند بود؟

در فصل هفتم، به موضوع «پیش‌بینی قدرت» و حضور نیروها برای تهاجم و پیشروی و برخی فناوریهای مؤثر جدید پرداخته شده است. همچنین ورود ایالات متحده امریکا و سایر قدرتها و تأثیری که فناوریهای جدید ممکن است بر حضور نیروهای پیشرو در آینده داشته باشد، بررسی می‌شود. عبارت «پیش‌بینی قدرت» یک اصطلاح نسبتاً جدید است که فقط به دو دهه قبل یا بیشتر بازمی‌گردد. اما پیش از این، نظریه‌پردازی همچون آلبرت مولستتر به گونه‌ای به مفهوم «درجه قدرت بر مسافت» اشاراتی کرده است، بدین معنی که هرچه کارایی قدرت در مسافتهای دوردست کاهش یابد، نیاز بیشتری به گسترش آن از سرچشمه اصلی پیدا می‌کند. در برخی آثار جدید، «حضور نیروها برای تهاجم» جایگزین مفهوم پیش‌بینی قدرت شده است. عبارت اخیر برای مدت‌های مدید جهت توصیف پایگاههای خارج از کشور یا حضور گسترده نیروها برای پیشروی یا صف‌آرایی نیروهای خارجی از جمله صف‌آرایی امریکا برای مثال در آلمان، ژاپن و کره به کار رفته است. مفاهیم پیش‌بینی قدرت و حضور نیروها برای تهاجم مقوله‌های مهمی را دربرمی‌گیرد. مداخله آشکار، ارسال تسلیحات در طول مدت درگیری، دیپلماسی زورگویانه، به نمایش گذاشتن

ترکیبی از عوامل جغرافیای سنتی به ویژه وضعیت پستیها و بلندیها، مسافت و شرایط آب و هوایی توأم با تواناییهای جدید ایجاد شده بر اثر انقلاب در امور نظامی و اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، بر میدان جنگ تأثیر می‌گذارد

پرچم یا اعمال نمادین، مداخله نیروها و حفظ صلح و بازدارندگی وسیع. فصل هشتم به جغرافیا و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی اختصاص دارد. از منظر جغرافیایی، سلاحهای کشتار جمعی از مدت‌ها پیش تاکنون در منطقه خاورمیانه از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار بوده است. این عامل جغرافیایی، روابط و حتی انواع رویاروییها در درون منطقه را متحول می‌سازد. البته فروپاشی اتحاد شوروی تأثیری عمده بر محاسبات استراتژیک منطقه و کابوس فزاینده اشاعه تسلیحاتی داشته است یعنی باعث شد تا مانع مرزنی نفوذناپذیر و بزرگ میان جنوب اتحاد شوروی سابق و خاورمیانه، آزادتر و به طور کلی نفوذپذیرتر شود و همچنین به صورت بالقوه باعث انتقال فناوری نظامی به دیگر کشورها شده است که احتمالاً شامل جنگ‌افزارهای شیمیایی، هسته‌ای، بیولوژیکی و فناوری موشکی بشود. بطور کلی در خاورمیانه دو دسته متمایز از کشورها وجود دارند که عبارت‌انداز قدرتهای جدید هسته‌ای (اسرائیل - هندوپاکستان) و کشورهایی که خواهان دستیابی به این قدرت‌اند، شامل ایران، عراق و درازمدت سوریه و عربستان سعودی. نویسندگان کتاب اظهار می‌کنند که ایران قویاً در حال تلاش برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای بوده و مدت زمان لازم برای نیل به آن از ۵ تا ۱۰ الی ۱۵ سال تخمین زده می‌شود. این کشور می‌تواند موفق باشد به شرط اینکه تلاشهایش متوقف نشده و نیز کمکهای قابل توجهی را از منابعی در روسیه، چین و پاکستان دریافت کند.

بخش چهارم کتاب، نتیجه‌گیریهاست. این بخش مشتمل بر سه فصل است. در فصل نهم، از جغرافیا و تعارض نوین نظامی سخن گفته شده است و آسیب‌پذیری جدید منطقه در قبال درگیری دوباره و سناریوی خطرناک مطرح می‌شود که عبارت‌انداز جنگ تازه اعراب و اسرائیل با اشاره خاص به جنگ سوریه و اسرائیل و نیز مداخله عمده امریکاییها در منطقه خلیج فارس همراه با متحدان یا بدون وجود آنها.

از مناطق نفت‌خیز حوزه دریای خزر گرفته تا بازار بورس بمبئی، از اتاقهای بازرگانی در مصر و اسرائیل گرفته تا محورهای بیکاری در غزه و بندر شلوغ دویی، نیاز به اصلاحات اقتصادی احساس می‌شود و در حال حاضر شرط لازم بقای سیاسی حکومتها به شمار می‌رود

برای همکاری میان کشورهای منطقه برای تقویت اقتصاد سیاسی منطقه و ادغام بیشتر آن در بازارهای جهانی در حال پیدایش است. امروزه نگرانی عمده اغلب رهبران سیاسی خاورمیانه را اوضاع اقتصادی آنها تشکیل می‌دهد. از مناطق نفت‌خیز حوزه دریای خزر گرفته تا بازار بورس بمبئی، از اتاقهای بازرگانی در مصر و اسرائیل گرفته تا محورهای بیکاری در غزه و بندر شلوغ دویی، نیاز به اصلاحات اقتصادی احساس می‌شود و در حال حاضر شرط لازم بقای سیاسی حکومتها به شمار می‌رود.

در فصل یازدهم، از یک نقشه جدید استراتژیک سخن گفته شده است. این نقشه به گونه‌ای ترسیم شده است که اطمینان می‌دهد خاورمیانه همچنان به منزله منطقه‌ای ممتاز در سیستم در حال ظهور بین‌المللی که وضعیت آینده آن هنوز مشخص نیست، باقی خواهد ماند.

نمای کلی این نقشه جدید، دو مقوله جداگانه اما به هم مرتبط و تقویت‌کننده یکدیگر را شامل می‌شود که عبارت‌اند از: اقتصاد سیاسی و موازنه نظامی.

فصل پایانی کتاب، فصل یازدهم، به پیوسته‌ها اختصاص داده شده است: در پیوست اول، موضوع جایگزینیهایی برای نفت خلیج فارس و حوزه دریای خزر بررسی شده است. وجود جایگزینیهایی با صرفه اقتصادی برای نفت خاورمیانه بزرگ از اعتبار ذخایر نفتی منطقه و نیز اهمیت استراتژیک آن برای قدرتهای صنعتی می‌کاهد. دو راه برای وقوع چنین رویدادی وجود دارد: افزایش قابل ملاحظه در ذخایر نفتی موجود در خارج از منطقه یعنی روسیه، قاره آمریکا، چین، آسیای جنوب شرقی و آفریقا و راه دوم استفاده وسیع از تکنولوژیهای تولید سوخت جدید که جایگزین نفت شده و از محوریت آن برای اقتصاد جهانی خواهد کاست. برای مثال روشهای مهم جایگزینی تولید برق عبارت‌اند از زغال سنگ، نیروی برق اتمی، نیروی برق هیدروالکتریک و گاز طبیعی.

در پیوست دوم، جغرافیای نظامی و تعمیمهای استاندارد درباره زمین، آب و هوا بررسی شده است. در واقع، نوع واکنش و عملیات نظامی در زمینهای هموار و خشک، سرزمینهای مرطوب و ناهموار و نواحی و مناطق دارای پوشش جنگلی متفاوت خواهد بود.

پیوست سوم درباره نیازهای انرژی هند و ارتباط آن با خلیج فارس است. جنگ خلیج فارس اثبات کرد که در شکل‌گیری مناسبات آینده، روابط مطلوب با کشورهای خلیج در دو دهه آتی برای هند بسیار با اهمیت خواهد بود.

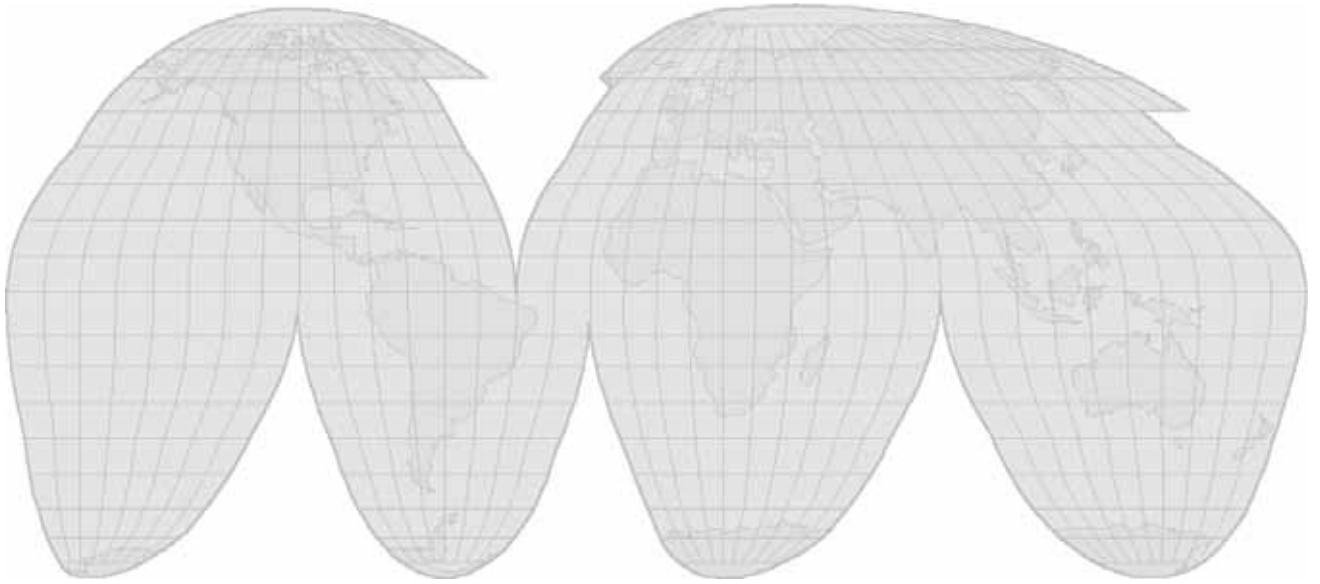
پیوست چهارم به وضعیت طرحهای تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی در خاورمیانه بزرگ می‌پردازد. در این قسمت از ایران، عراق و لیبی به مثابه قدرتهای بالقوه هسته‌ای اسم برده شده است و این ادعا برجسته شده است که با خاتمه جنگ خلیج فارس، ایران با شتاب بیشتری به سوی دستیابی به تسلیحات هسته‌ای و سیستمهای پرتاب آن پیش می‌رود و این کشور از آلمان راکتورهای بزرگ، از فرانسه اورانیوم غنی

رویکرد مؤلفان این بوده که میان اصول و مبانی ثابت استراتژیک و تحولات و تغییرات سریع، پیچیده و پرشتاب خاورمیانه پیوندی برقرار کنند

بدیهی است جغرافیای استراتژیک بر درگیری جدید اعراب و اسرائیل تأثیر خواهد گذاشت به طوری که ترکیبی از عوامل جغرافیای سنتی به ویژه وضعیت پستیها و بلندیها، مسافت و شرایط آب و هوایی توأم با تواناییهای جدید ایجاد شده بر اثر انقلاب در امور نظامی و اشاعه سلاحهای کشتار جمعی، بر میدان جنگ تأثیر می‌گذارد. هرچند بیان علل و سناریوهای محتمل جنگ آینده اعراب و اسرائیل چندان آسان نیست. آغاز یک جنگ آشکار، احتمالاً حمله سوریه به بلندیهای جولان را در پی خواهد داشت. در سناریوی دیگر، چنانچه اسرائیل، وجود سلاحهای شیمیایی و موشکها در سوریه را خطراتی غیرقابل قبول در نظر گیرد، ممکن است به فکر حمله‌ای پیش‌دستانه علیه سوریه بیفتد. به طور خلاصه ممکن است دوره جدیدی از جنگ بین سوریه و اسرائیل با شرایطی کاملاً متفاوت با جنگ سال ۱۹۸۲ یا قبل از آن سر گرفته شود که مربوط به هر دو موضوع تسلیحات و جغرافیای سیاسی است. در نتیجه ترسیم سناریوها دشوار خواهد بود.

در عین حال، به این پرسش هم پرداخته شده است که آیا سایر کشورهای منطقه به میدان جنگ کشیده خواهند شد؟ اردن و حتی عربستان سعودی در حمله به اسرائیل به سوریه نخواهند پیوست چرا که هر دو کشور در برابر حملات استراتژیک هوایی اسرائیل آسیب‌پذیرند. ولی جنگ با مصر مشکل کاملاً متفاوتی را برای اسرائیل به وجود می‌آورد. مصر و سوریه می‌توانند با هم جنگ ۱۹۷۳ را یک بار دیگر تکرار کنند و اسرائیل را با مشکل جنگ در دو جبهه مواجه سازند. هرچند برخی تحلیلگران، واقع‌بینانه بودن سناریوی جنگ اسرائیل و سوریه را زیر سؤال برده‌اند، به همان سان چگونگی آغاز دور جدیدی از جنگ بین مصر و اسرائیل را نیز مورد سؤال قرار داده‌اند. سناریوهای احتمالی دیگر عبارت‌اند از حملات موشکی عراق، لیبی و ایران علیه اسرائیل که می‌تواند به جنگ گسترده اعراب و اسرائیل یا اسلام و اسرائیل منجر شود.

در فصل دهم، به موضوع «ظهور اقتصاد ژئوپولیتیک» پرداخته شده است. ایده اصلی فصل حاضر این است که تنها راه حل معقول برای خروج از دایره خشونت و جنگ در خاورمیانه از نگاه ناظران، تشویق به تلاش



شده و دیگر اقسام تکنولوژی هسته‌ای را از آرژانتین و برزیل خریداری کرده است.

پیوست پنجم شامل سناریوهای جنگ آینده در منطقه خاورمیانه بزرگ است به ویژه ایران در مقابل عراق و هند در مقابل پاکستان. هر چند سناریوی جنگ ایران و عراق با اشغال نظامی عراق از سوی آمریکا و فروپاشی رژیم حزب بعث عملاً منتفی گشته است، اما کابوس دیرینه جنگ وسیع و همه جانبه بین هند و پاکستان همچنان وجود داشته باید با این فرض مسلم بررسی شود که دو کشور زرادخانه‌هایی مملو از تسلیحات هسته‌ای کاربردی در اختیار دارند.

پیرامون کتاب یادشده ملاحظاتی چند وجود دارد:

۱- نویسندگان کتاب و به‌ویژه جفری کمپ از استراتژیست‌های مشهور و برجسته آمریکایی‌اند. رویکرد مؤلفان این بوده که میان اصول و مبانی ثابت استراتژیک و تحولات و تغییرات سریع، پیچیده و پرشتاب خاورمیانه پیوندی برقرار کنند و به نظر می‌آید تلاش و کوشش آنها قرین موفقیت بوده است.

۲- یکی از صفات بارز این کتاب، جامعیت آن است به طوری که تمام زوایا و ابعاد جغرافیای استراتژیک خاورمیانه همراه با تأثیر فعال متغیرهای برون منطقه‌ای از جمله حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. از این رو، اثر یاد شده را می‌توان یک نوع دایرةالمعارف در حوزه جغرافیای استراتژیک خاورمیانه به شمار آورد؛

۳- مفاهیم و اصطلاحات مندرج در فرهنگ جغرافیای استراتژیک به خوبی شناسایی و به مخاطبان معرفی شده است و سپس به توصیف و تبیین آنها همت گماشته شده است؛

۴- سازماندهی کتاب، قابل تحسین است زیرا در جلد اول، پیشینه و مفاهیم گنجانده شده است و در جلد دوم از منازعات و مناقشات سخن گفته شده است. از سوی دیگر در هر فصل، به تناسب موضوع، به پرسشهای علاقه‌مندان به مباحث استراتژیک پاسخ داده شده است.

۵- یکی دیگر از ویژگیهای کتاب حاضر این است که در عین حال که مخاطبان را با اصول و مبانی تئوریک مباحث استراتژیک آشنا می‌کند، تحولات آینده منطقه خاورمیانه و سناریوهای گوناگون و متمایز از هم و بعضاً ضدهم را مطرح می‌سازد که این خود دلالت بر عمق تفکر استراتژیک گرایانه نویسندگان دارد؛

۶- کاربرد مفهوم «خاورمیانه بزرگ» طی سالهایی که این کتاب تدوین شده است یعنی ۱۹۹۷ - ۱۹۹۱، بسیار تأمل‌برانگیز است. همان طور که می‌دانید این عبارت به تازگی و در چند سال اخیر وارد زبان دیپلماسی سیاستمداران آمریکایی شده است؛

۷- رهیافت نویسندگان کتاب به تحولات منطقه خاورمیانه، رهیافت واقع‌گرایانه (رئالیستی) است. برای مثال می‌توان به حمله مصر و سوریه در اکتبر ۱۹۷۳ به اسرائیل اشاره کرد که استراتژیست‌ها معتقدند این رخداد

تاریخی، اصول اساسی روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم را متحول ساخت و حتی پشتیبانی آمریکا از اسرائیل، عامل اجرای تحریم نفتی اعراب شد. علاوه بر این پیرامون جنگ عراق و ایران، نویسندگان کتاب تصریح می‌کنند که صدام در اشتیاق رسیدن به استیلای عراق بر خلیج فارس، به ایران حمله کرد. نمونه دیگر، اعتراف نویسندگان کتاب به کاربرد گسترده و آشکار سلاحهای شیمیایی از سوی عراق در جنگ با ایران است به طوری که هنجارهای بین‌المللی بلندمدت را سست و متزلزل کرد و امکان به کارگیری آنها در آینده را محتمل ساخته است. یکی دیگر از واقعیت‌های این جنگ که در کتاب مورد توجه قرار گرفته، این است که عراق توانایی خود را در استفاده از موشکهای مسلح متعارف به منزله سلاحهای ایجاد رعب و وحشت علیه مراکز شهری ایران به میزان قابل ملاحظه‌ای گسترش داد. این موشکها و موشکهای اسکاد از غرب تأمین می‌شد و همکاری و مساعدت منابع متعددی چون چین، مصر، فرانسه، آلمان و اتحاد جماهیر شوروی سابق را به همراه داشته است. علاوه بر این، در کتاب تصریح شده است که بعد از جنگ خلیج فارس، تیمهای بازرسی سازمان ملل اعلام کردند که در حدود ۳۰ کلاهک شیمیایی مخصوص موشکهای اسکاد را پیدا کرده که اغلب مربوط به کلاهکهای گاز اعصاب بود. یا در زمان جنگ خلیج فارس، عراق بمبها و کلاهکهای موشکی شامل عوامل مسمومیت، سیاه زخم و آفلاتوکسین، یک نوع ماده طبیعی مولد سرطان را در اختیار داشته است.

۸- در این مجموعه دوجلدی به ویژه در جلد دوم، نویسندگان استراتژیست تلاش کردند تا هژمونی سیاسی، نظامی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه را بسیار برجسته کنند. هر چند از نقش و تأثیر برخی از کشورهای منطقه از جمله ایران، سوریه، لبنان، هند و پاکستان در معادلات منطقه‌ای آینده نیز غافل نبودند. از سوی دیگر، با تکیه بر ظرفیتهای دیپلماتیک، سیاسی، اقتصادی و نظامی ایالات متحده آمریکا، این معنی را القا می‌کنند که مدیریت بحرانهای منطقه خاورمیانه در اختیار سیاست خارجی آمریکاست.

۹- با عنایت به علایق نویسندگان کتاب به نقش جغرافیا در سیاست بین‌الملل و نیز حمایت بنیاد کارنگی نیویورک از آنان، کتاب حاضر حامل این پیام بوده است که دو عامل منطقه خاورمیانه را تهدید کرده و موجبات بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی، امنیتی و اقتصادی را فراهم خواهد کرد. این دو عامل عبارت‌انداز: رشد و گسترش تروریسم و کاربرد سلاحهای کشتارجمعی. نگرانی نویسندگان در این زمینه را می‌توان در بخش چهارم کتاب، در فصل نهم مشاهده کرد؛

۱۰- شایسته است از مترجم کتاب، جناب آقای سیدمهدی حسینی متین که ترجمه گویا و روانی را ارائه کرده است، تشکر و قدردانی کنیم.

در پایان، مطالعه این مجموعه دوجلدی به علاقه‌مندان مباحث استراتژی توصیه می‌شود.